

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
وَالَّذِي يُضَوِّبُ الْمَوْتَى
إِنَّ رَبَّهُ لَسَدِيدٌ
إِلَىٰ عَرْشِهِ الرَّحِيمُ
الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ
تُضَوِّبُ السَّحَابَ الْمَوْبِقَ
الَّذِي يُسْقِطُ مِنَ السَّمَاءِ
مِثْرًا مَاءً بَارِكًا
الَّذِي يُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ
الْمَاءَ فَنُحْيِي بِهِ
الْبَلَدَ الْمَيِّتَ وَنُحْيِي
بِهِ النَّوْاحِيَ فَسُبْحَانَ
رَبِّكَ عَمَّا يُشْرِكُونَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده الهیات و معارف اسلامی

گروه فقه شافعی

مباحث اصول فقه (۲)

هفته ششم

استاد: دکتر مصطفی ذوالفقار طلب

دستیار: فردین قمری

جلسه ششم

ادامه بحث قیاس

▶ شروط قیاس: هر کدام از ارکان چهارگانه گذشته قیاس دارای شروطی هستند؛ ولی از آن جهت که اصل و حکم اصل به منزله واحدی هستند، از این جهت دارای شروط واحدی می باشند. با این وجود با تفکیک اصل به عنوان (مسئله) و حکم اصل به عنوان (حکم شرعی) اصل به این معنا دارای شرطی است و آن اینکه خود به عنوان فرع برای اصل دیگر واقع نگردد.

۱- شرعی عملی (فقهی) باشد

۲- مستند آن نص (کتاب یا سنت) و یا اجماع می باشد نه قیاس؛ برخلاف مالکیه و حنابله که قیاس فرع به اصل ثابت شده با قیاس را نیز جایز دانسته اند

۳- معقول المعنی باشد

۴- علت حکم، قابل تحقق در اصل باشد؛ به طوری که قاصره نباشد (معدول از سنن قیاس نباشد) مثال: سفر به عنوان علت قصر و جمع از نوع علت قاصره است و نمی توان مشقت را بر آن قیاس کرد

۵- حکم اصل، منحصر در اصل نباشد. (مثال: تحریم ازدواج با همسران رسول الله صلی الله علیه وسلم پس از رحلت آن حضرت، شهادت خزیمه بن ثابت به جای دو شاهد).

۶- دلیل حکم اصل از طریق لفظ عام، شامل حکم فرع نگردد؛ چه آنکه در صورت عام بودن لفظ، نیازی به قیاس نیست.

۱- شروط حکم اصل:

۱- فرع ، فاقد نص شرعی باشد در؛ چه آنکه در صورت وجود نصی برای مسئله ای نیازی به قیاس نیست و اجتهاد در مقابل نص ممنوع است.

مثال : عدم جواز قیاس آزاد کردن انحصاری؛ بنده مومن در کفاره سوگند به آزاد کردن انحصاری بنده مومن در قتل خطا ؛ به دلیل وجود نص برای کفاره سوگند .

۲- وجود علت اصل در فرع : در غیر این حالت ؛ قیاس از نوع قیاس مع الفارق است

۲- شروط فرع

- مثال ۱ : تقسیم ملک مشاع بین شرکا بر اساس مقدار سهم هر کدام از آنان با قیاس به مقدار سهم شرکا در غیر موارد شفعه بر خلاف حنفیه که بر اساس تعداد شرکا عمل می کنند .

- مثال ۲ : قیاس قتل مثقل به قتل محدد در وجوب قیاس

۱- وصف ظاهر ، مثل اسکار در خمر ؛ بر این اساس آن دسته از علت هایی که دارای وصف خفی هستند ، شارع یک امر ظاهری را جایگزین آن می کند تا علامت بیانگر آن شود. به عنوان نمونه ، رضایت در معاملات ، امر خفی است . بنابراین صیغه عقد (ایجاب و قبول) جایگزین رضایت شده است . یا آلت قتاله ، جایگزین عمدی بودن قتل یا عقد ازدواج جایگزین علت ثبوت نسب در امر خفی (دخول نطفه در رحم) شده است .

۲- وصف منضبط : مانند قتل ، علت حرمان قاتل از ارث و اسکار به عنوان تحریم خمر بر خلاف مشقت برای روزه نگرفتن که وصفی غیر منضبط است .

۳- شروط علت:

۳- مناسب حکم : بدین معنا که حکمت حکم از طریق آن علت قابل تحقق باشد .
مثال : قتل عمد وصف مناسب برای قصاص یا حرمان از ارث و اسکار وصف مناسب برای تحریم خمر و سرقت وصف مناسب برای قطع ید سارق
نکته : از علت های غیر مناسب ، تعبیر به اوصاف (طردی) یا (اتفاقی) می شود . مانند رنگ یا طعم خمر ، علت برای تحریم خمر یا غنا یا جاه طلبی یا بدوی بودن سارق به عنوان علت قطع ید یا مرد وزن بودن قاتل یا ملیت خاص او به عنوان علت قصاص .

۴- عدم الغای علت از طرف شارع : مثال : برهم زدن ترتیب کفاره بطلان روزه با جماع
ترتیب کفاره بطلان روزه با جماع : عتق رقبه؛ شصت روز روزه ؛ اطعام شصت مسکین